**عطیه عوفی الگوی مقاومت[[1]](#footnote-1)**

در لابلای اوراق زرین تاریخ اسلام چهره های درخشانی در سکوت مرگبار ستم فرمانروایان غاصب مکتوم مانده است. کاش تاریخ نویسان،به جای آن همه کتابها که در باره اهل دوزخ نوشته اند،در راه شناساندن تندیسهای زهد و پاکی و الگوی مقاومت تلاش می کردند. بی تردید اگر چنین بود، فریادگران بیداری را در سکوت تاریک تاریخ فراموش نمی کردیم. این نوشتار به معرفی یکی از چهره های ناشناخته تاریخ پرداخته است. آن که نامش را امیر مؤمنان(ع) برگزید; همراه جابر بن عبد الله انصاری از اولین زائران حرم امام حسین(ع) بود; خطبه فدک و زیارت اربعین را روایت کرد و در شمار مبارزان شجاع جای گرفت.

**ولادت**

با طلوع خورشید حکومت علوی در کوفه، غنچه ای شکوفا شد تاتماشاگر آفتاب امامت باشد. گرچه تاریخ دقیق این واقعه مشخص نیست; ولی می توان گفت:در سالهای 36-40 قمری، روزی سعد بن جناده به آستان حضرت علی(ع) شرفیاب شد; ولادت فرزندش را به عرض حضرت رساند و تقاضای نامگذاری کرد. حضرت نوزاد را در آغوش گرفت و فرمود: «هذاعطیه الله » این نوزاد عطا و موهبت الهی است.(1) حضرت علی(ع)بعد از مراسم نامگذاری، برای عطیه صد درهم حقوق ماهانه تعیین فرمود و پدرش با دریافت حقوق برای کودک غذا تهیه کرد.(2)

**خاندان عطیه**

عطیه عوفی در یکی از خاندانهای معروف عرب که از طایفه بکالی بود، چشم به گیتی گشود. بکالی تیره ای از قبیله بنی عوف بن امرؤ القیس شمرده می شد و در بین قبایل عرب شان و منزلتی خاص داشت. چون عطیه از قبیله بنی عوف بود، به او عطیه عوفی می گویند.(3) گویا مادرش در شمار اسرای آزاد شده رومی جای داشت و همسر سعد شمرده می شد.(4)

**مقام علمی عطیه**

عطیه، از نظر طبقات رجالی، در گروه تابعین جای دارد; یعنی ازطبقه ای است که پیامبر اکرم(ص) را ندیده و بدون واسطه سخنی ازوی نقل نکرده است. او از اصحاب حضرت علی(ع) و امامان بعد ازاو تا امام محمد باقر(ع) به شمار می آید. (5) عطیه از دانشمندان بزرگ و اسلام شناس عصر خویش شمرده می شد و از چنان مقام علمی برخوردار بود که حتی دانشمندان اهل سنت نیز او را مورد اعتمادمی دانستند و دانش تفسیری و حدیثی اش را تایید می کردند.(6)

**اساتید و شاگردان عطیه**

عطیه استادانی برجسته داشت که در اسلام و تشیع از جایگاهی والابرخوردار بودند. کتاب «تهذیب التهذیب » نام هشت تن ازاستادان وی را برمی شمارد. کتاب «طبقات » شش تن از استادانش را معرفی کرده و از دیگران نام نبرده عبد الله بن عباس وجابر بن عبد الله انصاری از معروفترین استادان او شمرده می شوند.(7) این شخصیت علمی شاگردان بسیاری تربیت کرد. کتاب «تهذیب التهذیب » نام شانزده تن از آنها را ثبت کرده است.اعمش و پسران عطیه (حسن و عمر و علی) در این گروه جای دارند.(8) علی بن عطیه از اصحاب امام صادق(ع) نیز به شمارمی آید.(9)

**آثار علمی**

1- تفسیر قرآن عطیه دست پرورده استادی بزرگ چون ابن عباس بودو پنج جلد تفسیر قرآن نگاشت.(10) دانشمندان اهل تسنن از این تفسیر بهره های فراوان برده اند. آثار عطیه نزد علمای اهل سنت معتبر است.(11) و بزرگانی چون طبری، خطیب بغدادی از آثار این دانشور بزرگ بهره فراوان بردند.(12) عشق عطیه به علوم قرآنی وانس وی با قرآن به اندازه ای بود که خودش می گوید: من سه دوره تفسیر کامل قرآن را نزد ابن عباس آموختم و قرآن را نیز هفتادبار در کنارش خواندم.(13)

2- خطبه فدک دومین اثر جاودان عطیه خطبه فدک حضرت زهرا(س)است. حضرت این خطبه را در مسجد النبی ایراد فرمود. عطیه آن رابرای عبد الله ابن حسن مثنی، پسر امام حسن مجتبی(ع) نقل کرد ودر تاریخ به یادگار نهاد.(14)

3- زیارت اربعین یادگار جاودان دیگر عطیه زیارت گرانقدر و باعظمت اربعین ابا عبد الله الحسین(ع) است. او همراه جابر ابن عبد الله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر اکرم(ص) در اربعین شهادت امام حسین(ع) کنار تربت مطهر آن حضرت حضور یافت، اشک ماتم ریخت و نامش را به عنوان نخستین زائر کوی حسین جاودانه ساخت.(15) جایگاه زیارت اربعین چنان والاست که امام حسن عسکری(ع) فرمود: یکی از علامتهای مؤمن زیارت اربعین سید الشهدااست. (16)

**ابعاد شخصیت سیاسی عطیه**

1. زبان گویای ولایت علوی عطیه، که پرورش یافته مکتب تشیع راستین بود، آموخته هایش را با زبانی گویا برای جامعه اسلامی وتاریخ بیان کرد و به یادگار گذاشت. آن بزرگوار به شیوه ای زیبا به دفاع از حریم ولایت علوی پرداخت. بدین جهت نامش در سند بسیاری از روایاتی که منزلت و فضایل حضرت علی(ع) را بیان می کند، دیده می شود.(17) عطیه از کسانی است که حدیث غدیر خم رابه دورترین نفاط بلاد اسلامی رساند. پیامبر اکرم(ص) در حجة الوداع در غدیر خم دست حضرت علی(ع) را گرفت و به مردم فرمود:ای مردم، آیا نمی دانید که من از خود مؤمنین به آنهاسزاوارترم؟ گفتند: آری، یا رسول الله. سپس فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه »(18) عطیه در باره شأن نزول آیه شریف (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک)(19) می گوید: «نزلت هذه الآیه علی رسول الله صلی الله علیه و آله فی علیِّ بن ابی طالب (ع)(20) این آیه در منزلت حضرت علی ابن ابی طالب نازل شد. بیان چنین احادیثی در باره شخصیت حضرت، در زمانی که آشکارابدان بزرگوار ناسزا می گفتند، دارای ارزشی والا بود; زیرا درباریان آگاه و مردم ناآگاه دشنام دادن بدان حضرت در هر قنوت و خطبه را از فرایض مسلمانان می دانستند. در چنین فضای آشوب زده ای،عطیه به افشاگری پرداخت و با نقل فضایل علی(ع) کوشیدولایت را در جامعه تثبیت کند.
2. زیارت اربعین و اقدامی انقلابی زیارت اربعین عطیه و جابربن عبد الله در آن زمان حساس از بعد سیاسی اهمیت بسیاردارد.(21) زمانی که یزید بن معاویه ریختن خون سید الشهدا واصحابش را افتخار می دانست و شیعیان آن حضرت در خفقان شدید به سر می بردند، بازمانده یاران پیامبر اکرم(ص) به زیارت تربت امام(ع) شتافت. او در واقع فرستاده خاتم المرسلین به شمارمی آمد؛ زیرا رسول خدا (ص)به وی وصیت کرده بود «یا جابر زر قبر الحسین فان زیارته تعدل مئه حجه »(22) ای جابر، قبرفرزندم حسین را زیارت کن. چون ثواب زیارتش با ثواب صد حج برابر است. جابر بعد از شهادت امام حسین(ع) و یارانش از این فاجعه تاریخی آگاه شده، با چشمان نابینا و دلی روشن و ضمیری پاک راه کوفه پیش گرفت و خود را به دست پرورده مکتب علوی یعنی عطیه عوفی رساند. این دو بزرگمرد در اربعین شهادت ابا عبد الله الحسین(ع)و اصحابش در سرزمین مقدس کربلا حضور یافتند. و این افتخار رابه دست آوردند که از اولین زائران حرم حسینی شوند.(23) آنچه به زیارت اربعین جلوه ای خاص از شهامت و شجاعت می دهد حرکت قهرمانانه این دو زائر در آن موقعیت حساس است؛ زیرا بعد ازشهادت امام حسین(ع) یزید کسی را مانع ظلم و فساد خود نمی دید وتمام سعی خودش را به کار برد تا با خفه کردن صدای هر مخالفی قیام عاشورا را امری عادی و غیر الهی جلوه دهد. بدین سبب،نگرش جامعه به نهضت امام حسین(ع) در ابتدا نگرشی همراه با بی تفاوتی گاه اعتراض آمیز بود. در آن موقعیت، حرکت جابر ازمدینه و عطیه از کوفه برای زیارت سید الشهدا تأییدی بر قیام آن حضرت بود.(24) به ویژه این که این زیارت با رسیدن بانوان اهل بیت و اسرا از شام و برپایی سه روز سوگواری برای سالارشهیدان و یارانش مقارن بود.(25) این حرکت انقلابی به شعله ورشدن نهضت حسینی و افشای جنایات دژخیمان بنی امیه انجامید وعطیه و جابر از بنیانگذاران قیامهایی شدند که در دفاع از قیام کربلا به وسیله توابین و دیگران شکل گرفت.

**مقاومت عطیه**

عطیه چون پرستویی عاشق و بلبلی نغمه سرا در هر کوی و برزن ترانه عشق علی می خواند و لحظه ای آرام نمی گرفت. هیچ تازیانه ای نتوانست ندای این فریادگر عرفان و عدالت را خاموش سازد. تاریخ هرگز مبارزه سیاسی این دانشمند بزرگ را از یاد نمی برد. مبارزه سیاسی عطیه عوفی در زمان حکومت جبار عبد الملک مروان، پنجمین خلیفه اموی، در مقابل حجاج بن یوسف ثقفی، که دستانش به خون شیعیان علوی آغشته بود، همچنان جاودانه ماند. در زمان فرمانروایی این ستمگر اموی در کوفه قیامهای متعددی شگل گرفت که یکی از آنها قیام عبد الرحمن بن محمد بن اشعث در سال 80 ه. ق بود.این نهضت از خراسان آغاز شد. عبد الرحمن، بعد از چندین بار درگیری با لشکر حجاج، سرانجام در سال 83 در بصره دستگیرشد. نکته جالب توجه در این قیام آن است که عده ای از بزرگان ودانشمندان شیعه و قاریان عراق مانند سعید بن جبیر و ابراهیم نخعی و عطیه عوفی، در رکاب عبد الرحمن بودند. وقتی عبد الرحمن شکست خورد، عطیه به سمت فارس گریخت. حجاج در فرمانی، محمد بن قاسم ثقفی به فرماندار فارس، نوشت، عطیه را دستگیر کرده، اورا وادار سازد به حضرت علی(ع) ناسزا بگوید و اگر امتناع ورزیدچهارصد تازیانه بر وی زده، موی سر و محاسنش را بتراشند. فرماندار فارس عطیه را فراخواند و فرمان حجاج را برایش خواند؛عطیه زیر بار چنین ننگی نرفت؛ با کمال شهامت چون کوهی استوارماند و سخت ترین شکنجه ها و تازیانه های امویان را تحمل کرد. این تابعی قهرمان مدتی در فارس اقامت گزید و چون قتیبه بن مسلم بر مسند استانداری خراسان جای گرفت به آنجا رفت و چندی در آن دیار به سر برد. سرانجام وقتی فرمانروایی عراق در دست عمر بن هبیره قرار گرفت، عطیه نامه ای به وی نوشت و خواستارپناهندگی و بازگشت به کوفه شد. عمر بن هبیره اجازه داد و عطیه به کوفه باز گشت. این یاور مخلص اهل بیت (علیهم السلام) در سال 111 هجری قمری به سرای جاودانگی شتافت.(27)

**پی نوشت ها:**

1-سفینه البحار، ج 2، ص 206، (چاپ قدیم); طبقات الکبری، ج 6، ص 304; ریحانه الادب، ج 4، ص 218.

2- طبقات الکبری، ج 6، ص 304.

3-سفینه البحار، ج 6، ص 296; ریحانه الادب، ج 4، ص 218.

4-طبقات الکبری، ج 6، ص 304; جابر بن عبد الله انصاری، ص 208.

5- رجال شیخ طوسی، ص 51; تنقیح المقال، ج 2، ص 253; سفینه البحار، ج 6، ص 296.

6-تهذیب التهذیب، ج 7، ص 226; تاریخ التراث العربی، ج 1،جزء اول، ص 73; طبقات، ج 6، ص 304.

7-تهذیب التهذیب، ج 7، ص 225; طبقات الکبری، ج 6، ص 246;سفینه البحار، ج 6، ص 296.

8- ریحانه الادب، ج 4، ص 218; تهذیب التهذیب، ج 7، ص 225;سفینه البحار، ج 6، ص 295.

9-سفینه البحار، ج 6، ص 294; تنقیح المقال، ج 2، ص 299.

10-ریحانه الادب، ج 4، ص 218; سفینه البحار، ج 6، ص 296;تنقیح المقال، ج 2، ص 253.

11-تاریخ التراث العربی، ج 1، جزء اول، ص 73.

12-همان.

13- سفینه البحار، ج 6، ص 296; ریحانه الادب، ج 4، ص 218;تنقیح المقال، ج 2، ص 253.

14-بلاغات النساء، ص 12; سفینه البحار، ج 6، ص 296; بررسی تاریخ عاشورا، ص 246.

15- ریحانه الادب، ج 4، ص 218; سفینه البحار، ج 6، ص 295;بشاره المصطفی، ص 89.

16-بحار الانوار، ج 101، ص 106; کامل الزیارات، باب 28: ص 90.

17- سفینه البحار، ج 6، ص 294; ریحانه الادب، ج 4، ص 218.

18-بحار الانوار، ج 37، ص 185.

19- مانده، آیه 67.

20- بحار الانوار، ج 37، ص 190.

21- بررسی تاریخ عاشورا، ص 244; مصباح المتهجد، ص 730.

22- جابر بن عبد الله انصاری، ص 205.

23- بحار الانوار، ج 68، ص 130; مصباح المتهجد، ص 730.

24- اعیان الشیعه، ج 15، ص 143; مصباح المتهجد، ص 730.

25- سوگنامه

26- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 277 و 278.

27-سفینه البحار، ج 6، ص 296; الاعلام زرکلی، ج 4، ص 237;طبقات الکبری، ج 6، ص 304

1. . <https://noo.rs/BkRm9> [↑](#footnote-ref-1)